**ژورنالیسم و اقتصاد**

**نامغ، آیدین**

«حبل المتین»یکی از وزین‏ترین روزنامه‏هاست‏ که شماره اول آن روز یازدهم جمادی الثانی 1311 قمری در کلکته منتشر شد.کسروی با وجود همه‏ صفاتی که برای این روزنامه برمی‏شمارد آن را «سودجو و چاپلوس»می‏داند ولی این روزنامه هم‏ از قانون و اصلاح ساختار سیاسی جامعه سخن به‏ میان می‏آورد و با توجه به اینکه بنا به گفته کسروی، روزنامه بدون پول،برای علمای نجف و دیگر جاها فرستاده می‏شد،بین علما و روزنامه،الفت و صحبت‏ مستمری برقرار شد و با توجه به اینکه از«قرضه‏ها» به شدت انتقاد می‏کرد و از گرفتاری‏های سیاسی‏ مردم سخن می‏گفت،دلبستگی زیادی به این‏ روزنامه پیدا کردند.میزان تاثیر آن را بر گفتمان‏ سیاسی می‏توان از روی نوشته ثریا(سال ششم‏ چاپ تهران)فهمید که نمی‏تواند گفتار حبل المتین‏ را برتابد و در انتقاد از آن روزنامه چنین می‏نویسد: «در پادشاهی که اسخی از تمام سلاطین سلف و اعدل از ملوک دادگستر جهان است،خرافات‏ و ترهات سلطنت مشروعه و غیرمشروعه چرا می‏بافی و هر آهنگر و عمله و بقال را محق در ترقیات امور دولت می‏شماری...این سخنان مشابه‏ کلام جن‏زدگان است...این بو الفضولی‏های مردود از سید جمال معهود است...».

ثریا

روزنامه«ثریا»تا آن زمان که هنوز در تهران‏ چاپ نمی‏شد،روزنامه پرارزی بود اما از سال‏ ششم به بعد-که به وسیله سید فرج اللّه کاشانی در تهران به چاپ رسید-در ردیف حامیان حکومت‏ قاجاری قرار گرفت که نمونه‏ای از نوشته‏هایش‏ را در نقد حبل المتین،پیش‏تر خواندیم.شماره‏ اول آن در روز شنبه چهاردهم جمادی الآخر (1898-1316)منتشر شد.در نخستین شماره‏ ناشرش-علی محمد کاشانی-در لزوم نشر روزنامه‏ و اهمیت آن می‏نویسد:«این بنده-علی محمد کاشانی-هنگام توقف و تحصیل در علیه اسلامبول‏ گاه‏گاه که با دوستان وطن‏پرست ملت دوست‏ ملاقات کرده،صحبت از دولت‏خواهی و ملت‏ پرستی به میان می‏آمد؛جمعی که مدتی در بلدان‏ خارجه مانده.و معنی جمهور ملک و کشور بر هر فردی از افراد ملت واجب و فریضه است که خدمت‏ وطن را دست هرکس هرچه برآید کوتاهی نکند (دستت نمی‏رسد که بچینی گلی زشاخ/باری به‏ پای گلبن ایشان گیاه باش).امروز برای تنبیه و آگاه نمودن ابنای وطن...هیچ از نصیحت نیست... و جولانگاه این میدان جراید است».

«ثریا»در ادامه همان مقاله می‏افزاید:«روزنامه‏ آیینه‏ای است که می‏توان حسن و قبح را در آن‏ دید و معیاری است که با آن میزان دانش و بینش‏ مملکتی را می‏سنجند».نویسنده در ادامه می‏گوید: «آمریکاییان در تمدن و ترقی بر اروپاییان‏ سبقت گرفته‏اند زیرا تعداد روزنامه‏های‏ آن کشور نسبت به جمعیت،بیش از اروپاست».آن روزنامه در ادامه علت غایی‏ ترقی اروپا را افزون بر ازدیاد روزنامه‏ها و طبع مطبوعات انتقاد بی‏محابای‏ روزنامه‏ها از ملت و دولت می‏داند و سپس‏ چنین نتیجه می‏گیرد:«در این صورت‏ امروز برای ما ایرانیان-که طالب خدمت‏ وطن هستیم-به شرط قدرت قلم و قوت‏ قدم،خدمتی بهتر از نشر روزنامه و همت‏ و اقدام در این امر نیست».

چند روزنامه هم در شهرستان‏های‏ بزرگ پخش شد که از آن جمله است‏ «آذربایجان تبریز»و«اتحاد»(در تبریز) «نامه فارس»(در شیراز)«نامه فرهنگ» (در اصفهان)و روزنامه«ادب»(در خراسان)که ادیب الممالک فراهانی گاهی‏ بعضی از اشعار خود را در آن روزنامه چاپ‏ می‏کرد.در مجموع روزنامه‏های داخلی در مقایسه‏ با روزنامه‏های خارجی از حیث کمی‏وکیفی تا اوایل‏ انقلاب مشروطه و آمدن روزنامه‏هایی مثل«نسیم‏ شمال»از نفوذ چندانی برخوردار نبودند اما در آنها نیز می‏شد طلوع سپیده‏دمان را مشاهده کرد؛ به‏ویژه در نیم‏دهه آخر دولت مظفری.در این زمان‏ دیگر ترس ناشی از استبداد خاقانی و صاحبقرانی‏ که سال‏ها سایه شومش را بر ایران گسترده بود،از میان رفت.روزنامه‏ها نیز دیگر ریشه‏ای گرفته بودند و چند سالی را پشت‏سر نهاده بودند؛ازاین‏رو در سال‏های آخر منتهی به عدل مظفر بر کم‏وکیف‏ روزنامه‏ها افزوده شد.ادیب الممالک-که خود یک چند در کاروان مداحان بود-حال تبدیل به‏ روزنامه‏نگاری مجرب و شاعری پخته و اندیشه‏گری‏ سخته شده بود.او برای روزنامه‏هایی مثل حیات‏ آذربایجان و ادب خراسان نیز شعرهای وطنی‏ می‏فرستاد که شاید گزیده‏ترین آنها مسمطی باشد که به مناسبت ولادت پیامبر اسلام(ص)سروده‏ و در شماره‏های 26 و 29 و 30 ادب خراسان در 1220 قمری به چاپ رسیده است با مطلع:

برخیز شتربانا بربند کجاوه/کز چرخ همی گشت‏ عیان رایت کاوه

اما در مورد عمل گسترش دامنه نفوذ و افزایش‏ تعداد روزنامه‏ها در آغاز قرن بیستم،ذکر چند نکته‏ ضروری است.روزنامه‏ها به عنوان یکی از مهم‏ترین‏ تجلیات مدرنیته،از سویی معلول آن هستند و از سوی دیگر خود به گسترش و نضج آن در ایران مدد رسانیده‏اند.در اینجا هم علت بوده‏اند و هم معلول. دیگر آنکه در زایش و بالش روزنامه‏ها نمی‏توان‏ فضای کم‏وبیش به دور از خشونت-اگر نگوییم‏ دموکرات‏منش-دوران مظفر الدین شاه را از نظر دور داشت.

گفته ادوارد براون را نباید نادیده گرفت که‏ ناصر الدین شاه نیم‏قرن پادشاهی کرد و دوام‏ حکومتش با همه نکته‏هایی که بر آن می‏توان‏ گفت،مایه وضع ثابتی شد و این اثبات کم‏وبیش در گسترش فرهنگ و ادب سودمند افتاد.انحطاطی‏ که از روزگار صفویان در این رشته آغاز شده بود، دیگر ادامه نیافت و پیشرفت‏هایی نیز نصیب‏ فرهنگ ملی شد.سرانجام اینکه افزایش روزنامه‏ها با مسئله گستره همگانی هابرماس همخوانی دارد گستره همگانی یکی از مباحث مهم در اندیشه و در مجموعه نظریات هابرماس به‏شمار می‏رود که هم‏ با جهان زیست و گفتمانی و مبحث مکالمه بی‏پایان‏ او ارتباط دارد و هم مربوط به رسالت و محتوای علم‏ سیاست یا کنش متقابل است و نیز با حوزه عمومی‏ و عمل سیاسی هانا آرنت.

ژورنالیسم و اقتصاد

آیدین نامغ\*

تأثیر خبر بر تعیین و تغییر رفتارهای‏ متفاوت اقتصادی همواره مورد تأیید اندیشمندان این حوزه بوده است؛تأییداتی‏ که بر نوع رفتار اقتصادی جامعه اثر گذاشته‏ و آثار مضاعفی را از خود نشان داده است. این تأثیرات در کوتاه‏مدت در اقتصاد ایران‏ بعینه قابل مشاهده است.خصوصا در ادبیات رسانه‏ای امروز که سرعت،اولین و تأثیرگذارترین فاکتور موفقیت به حساب‏ می‏آید،قدرت گردش اخبار و نفوذپذیری‏ آن در مقابل مبادلات کلان بسیار قابل‏ توجه است.اما نکته قابل تأمل در این‏ میان،عمر کوتاه این اثرپذیری و به واسطه‏ آن بازداری بی‏هدف آن است.

اقتصاد ایران از سال 1312 رنگ و بویی‏ کاملا دولتی به خود گرفت.پیش از این، تصور بر این بود که اقتصاد ایران با ورود دلارهای نفتی از سال 1353 به بعد، دولتی شد اما تاریخ،شهادت می‏دهد که با روی کار آمدن علی اکبر داور در سال 1312 و تأسیس شرکت‏های بزرگی چون بیمه‏ ایران و شرکت سهامی حمل و نقل،محیط اقتصاد ایران به نفع دولت بسته شد؛ یعنی اقتصادی مبتنی بر الگوی«مداهنه‏ فرمان».در این الگو،حکومت مرکزی‏ برای حکومت‏داری نیازی به گروه‏های‏ مختلف جامعه ندارد و خود به واسطه‏ قدرت و درآمد بالا از عهده کار برمی‏آید. در این الگو دیگر مجالی برای تعیین نقش‏ و جایگاه دموکراسی در تعیین سرنوشت‏ اقتصادی باقی نمی‏ماند.این روند ادامه‏ یافت تا سال 1357 و به دنبال آن آغاز جنگ تحمیلی 8 ساله.باید پذیرفت که‏ اقتصاد جنگ،کاملا الگو و قوانین خاص‏ خود را می‏طلبد.در این اقتصاد دیگر کسی به دنبال نقش دموکراسی در ساختار اقتصادی نمی‏گردد و هدف،گذر زمان با منابع موجود است.

پس از پایان یافتن جنگ و آغاز دوران‏ سازندگی،بسیج منابع برای سازندگی‏ ویرانه‏های برجای‏مانده،سیاستی‏ انکارناپذیر بود.اقتصاد ایران در این مدت، اقتصادی کاملا بسته با اقتباس از الگوی‏ مداهنه فرمان است.از اوایل دهه 70 یعنی در خلال سال‏های 72-71 با شکل‏ گرفتن ادبیات خصوصی‏سازی،ساختار اقتصادی ایران کمی دستخوش شعارهایی‏ قرار گرفت که هرچند مقاومت‏های‏ بی‏شماری در مقابل آن بود،اما به واسطه‏ شعارهای صوری،اقتصاد ایران به جاده‏ تحول قدم گذاشت.داستان ادامه یافت‏ تا شهریورماه سال گذشته و ماجرای اصل‏ 44 که در کشور،روح تازه‏ای به کالبد «اقتصاد باز اسلامی»دمید.

اگر بخواهیم گذری بر آزادی اقتصادی و تاریخچه آن داشته باشیم،باید بگوییم با احتساب مقدمه آزادسازی در اقتصاد-که‏ به تفسیر بسیاری از اندیشمندان اقتصادی، اقتصاد ایران هنوز در مرحله مقدماتی‏ آزادسازی است-عمر این نهضت در ایران‏ حدود 16 سال است.حال اگر بخواهیم در چنین فضایی به دنبال نقش اخبار روند تأثیرگذاری خبر بر اقتصاد کلان و خرد باشیم،شاید معیارهای درست و مناسبی‏ برای این سنجش-به واسطه کوتاهی عمر دموکراسی در اقتصاد ایران و ایفای نقش‏ مطبوعات به عنوان یکی از مهم‏ترین ارکان‏ دموکراسی-در دست نباشد اما به‏هر حال،براساس آمارهای موجود از آخرین‏ نظرسنجی‏های صورت گرفته،36 درصد از خوانندگان روزنامه‏ها،اخبار اقتصاد را در تعیین سرنوشت اقتصادی خود مستقیما تاثیرگذار می‏دانند و خود ملزم به مطالعه‏ اخبار اقتصادی می‏دانند؛این آمار نسبت به‏ طول عمر دموکراسی اقتصادی شاید بسیار جالب‏توجه هم باشد.در این میان،نقش‏ رسانه‏ها در تصمیم‏گیری‏های اقتصادی‏ نیز بهتر نمایان می‏شود.به نظر می‏رسد این واقعیت نشان از آن داشته باشد که‏ بسترهای لازم برای تاثیرگذاری مناسب‏ و هدفمند برای«دموکراسی اقتصادی» در کشور وجود دارد؛هرچند نوع نگرش‏ اقتصاد ما-با توجه به ماهیت دولتی بودجه‏ آن-علاقه چندانی به افزایش این نقش‏ ندارد اما اقبال عمومی برای افزایش این‏ نقش بسیار است.

\*سردبیر روزنامه ابرار اقتصادی